

ORIGINAL ARTICLE

Evolution of the Educational Institution's Position in Iran's Public Law in the Face of Globalization Challenges: A Study in Ethical and Economic Dimensions

Mahmoud Esmaili Gerdamahin¹, Seyed Mohammad Hashemi^{2*}, Kheiroollah Parvin³

1 Ph.D. Student of Public Law group, Faculty of Law, Theology, and Political Science, Research Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2 Professor, Public Law Group, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran.

3 Professor, Public Law Group, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran.

Correspondence:
Seyed Mohammad Hashemi
Email: eedop@yahoo.com

Received: 27 Agu 2022
Accepted: 03 Dec 2022

How to cite

Esmaili Gerdamahin, M., Hashemi, S.M. & Parvin, K. (2024). Evolution of the Educational Institution's Position in Iran's Public Law in the Face of Globalization Challenges: A Study in Ethical and Economic Dimensions. *Applied Research of Sport Management*, 12(3), 73-82. (DOI:[10.30473/arsm.2023.64046.3664](https://doi.org/10.30473/arsm.2023.64046.3664))

ABSTRACT

Physical education and sports, as influential cultural elements, have actively been present throughout the history of Iran and gradually formulated their own regulations and laws. From the constitution to parliamentary resolutions, and from ministerial approvals to the decisions of the Supreme Council of the Cultural Revolution and the Supreme National Security Council, the footprint of sports is consistently evident. "Sport is synonymous with humanity and has always been its companion in the passage of days. The initiation of sports cannot be pinpointed because from the beginning of creation, humans have needed muscular movement to endure and live, and until the end of life, sports will remain their companion". This present research endeavors, to the best of its ability and pragmatically, to familiarize the country's legal community with the sports institution, considering it a small yet significant step in the development of sports law. To achieve this goal, the paper first delves into the mention of sports in Iran's public law and subsequently focuses on the sports institution in international law. The article emphasizes the necessity of addressing legal deficiencies and establishing independent sports legislation, similar to commercial law, for the long-term improvement of the country's sports legal system. Additionally, practical suggestions are provided for short-term enhancements to the sports judiciary system.

KEYWORDS

Physical education, Iran's public law, international regulations, global challenges.



پژوهش‌های کاربردی در مدیریت ورزشی

سال دوازدهم، شماره سوم، پیاپی چهل و هفتم، زمستان ۱۴۰۲ (۸۲-۷۳)

DOI: 10.30473/arism.2023.64046.3664

«مقاله پژوهشی»

تحولات جایگاه نهاد تربیت‌بدنی در حقوق عمومی ایران در مواجهه با چالش‌های جهانی‌سازی در ابعاد ارزشی و اقتصادی

محمود اسماعیلی گردهمین^۱، سید محمد هاشمی^{۲*}، خیرالله پروین^۳

چکیده

ورزش و تربیت‌بدنی به عنوان یک عنصر فرهنگی تأثیرگذار، در تاریخ ایران حضور فعال داشته و به تدریج برای خود صاحب مقررات و قوانین مدون شده است. در بیشتر قوانین، از قانون اساسی گرفته تا مصوبات مجلس و از مصوبات هیات وزیران گرفته تا مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی امنیت ملی، همیشه ردپایی از ورزش وجود دارد. «ورزش همزاد بشر و همواره، همراه او در گذر روزها بوده است. برای ورزش آغازی نمی‌توان دانست زیرا بشر از آغاز آفرینش برای ماندن و زیستن نیاز به جنبش ماهیچه‌های خویش داشته و تا فرجام زندگی ورزش همسفر او خواهد ماند». در کار تحقیقی حاضر تلاش شده است تا در حد وسع و به صورت کاربردی، جامعه حقوقی کشور را با نهاد تربیت‌بدنی آشنا کرد، باشد که در توسعه حقوق ورزشی کشور گامی هرچند کوتاه محسوب شود. برای نیل به این هدف ابتدا به ذکر مقوله ورزش در حقوق عمومی ایران پرداخته شده و سپس نهاد ورزش در حقوق بین‌الملل مورد توجه قرار گرفته است. در این مقاله به لزوم رفع کمبودها و استنادات قانونی و تصویب قانون مستقل ورزش همانند قانون تجارت در بلندمدت و پیشنهادات کاربردی در کوتاه‌مدت برای بهبود نظام دادرسی ورزشی کشور ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی

تربیت‌بدنی، حقوق عمومی ایران، مقررات بین‌المللی، چالش‌های جهانی.

۱ دانشجوی دکتری تخصصی، گروه حقوق عمومی دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۲ استاد، گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
۳ استاد گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

نویسنده مسئول:

سید محمد هاشمی

رایانامه: eedop@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۱۲

استناد به این مقاله:

اسماعیلی گردهمین، محمود، هاشمی، سید محمد، پروین، خیرالله (۱۴۰۲). تحولات جایگاه نهاد تربیت‌بدنی در حقوق عمومی ایران در مواجهه با چالش‌های جهانی‌سازی در ابعاد ارزشی و اقتصادی. فصلنامه علمی پژوهش‌های کاربردی در مدیریت ورزشی، ۱۲(۳)، ۸۲-۷۳. (DOI:10.30473/arism.2023.64046.3664)

حق انتشار این مستند، متعلق به نویسندگان آن است. © ۱۴۰۲. ناشر این مقاله، دانشگاه پیام نور است.

این مقاله تحت گواهی زیر منتشر شده و هر نوع استفاده غیرتجاری از آن مشروط بر استناد صحیح به مقاله و با رعایت شرایط مندرج در آدرس زیر مجاز است.

Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International license (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>)



مقدمه

ورزش و تربیت‌بدنی در جایگاه یک نهاد عظیم اجتماعی و بین‌المللی، با دایره شمول انسانی بسیار گسترده، نیازمند شناخت حقوقی است. این نهاد، شکل سازمان‌یافته و گسترده‌ای به خود گرفته و مرزهای جغرافیایی را درنور دیده است. تشکلهای بین‌المللی نهاد تربیت‌بدنی به سرعت شکل گرفته و شاید بتوان گفت دهکده جهانی در بعد ورزش با شتاب تمام درحال تحقق بوده و یکسان‌سازی قواعد و نظام‌های حقوقی ورزشی توسط این نهادهای بین‌المللی به سرعت درحال انجام است. این موضوع به یک معرکه برخورد نظام‌ها و نهادهای ورزشی داخلی با نهادهای ورزشی بین‌المللی انجامیده و هر از چندگاهی تبعاتی از این برخوردها رسانه‌ای می‌شود. نمونه بارز این فرآیند، محرومیت‌ها و تعلیق‌های اتفاق افتاده برای رشته‌های ورزشی ایران نظیر فوتبال، قایقرانی، جودو، کشتی و دیگر رشته‌هاست. انتظار می‌رود در برخورد حقوقی کلیت نهاد تربیت‌بدنی داخلی با گزاره‌های هزاره سوم در مسیر جهانی‌سازی، چالش‌های فراوانی به‌وجود آید، که می‌تواند این نهاد حقوق عمومی را دستخوش تحولات گسترده نماید.

از سال ۱۹۸۴ به این سو و با تشکیل نهاد دآوری بین‌المللی در عرصه ورزش، تعاملات گسترده‌ای در این زمینه؛ بین نهادهای ورزشی داخلی و این نهاد بین‌المللی صورت گرفته است. به نظر می‌رسد عمده این تعاملات به سمت پذیرش صلاحیت و اشرافیت نهادهای بین‌المللی ورزشی بر نهادهای داخلی پیش می‌رود و این واقعیت به قدری پرشتاب است که نهادهای حقوقی داخلی فرصتی برای ورود قاطع به این عرصه نیافته‌اند.

تربیت‌بدنی از دیرباز به‌عنوان یکی از علائق و نیازهای بشری مطرح بوده و به شکل‌های گوناگون مانند آمادگی نظامی، آمادگی برای پذیرش مسئولیت خانواده و مواردی از این دست، در فهرست تکالیف زندگی مردان و زنان وجود داشته است. این پدیده به تدریج و در بستر تاریخ، شکل سازمان‌یافته و پیچیده‌ای به خود گرفته و امروز در ابعاد ملی و بین‌المللی یکی از عظیم‌ترین و پرجمعیت‌ترین نهادهای اجتماعی را تشکیل داده است. نهادهایی مانند هیات‌های ورزشی، فدراسیون‌های ورزشی، کنفدراسیون‌ها و کمیته‌های ملی و بین‌المللی المپیک در عرصه ورزش و تربیت‌بدنی به‌وجود آمده‌اند که ساماندهی فعالیت‌های ورزشی ورزشکاران و تیم‌های ورزشی را برعهده دارند. گرچه در ایران حقوق ورزشی هنوز در جایگاه مشخص خود قرار نگرفته و حتی به‌عنوان رشته تحصیلی در مقاطع دانشگاهی مطرح نشده است، اما این رشته در بسیاری از کشورها وجود داشته و عمدتاً به‌عنوان شاخه‌ای از حقوق عمومی پذیرفته

شده است. ماهیتا نیز این رشته پیوندهای ناگسستنی با حقوق عمومی داشته و انتظار می‌رود در ایران نیز به‌عنوان زیرشاخه‌ای از حقوق عمومی وارد مباحث آکادمیک گردد.

نهاد تربیت‌بدنی دارای دو جنبه دولتی و غیردولتی است. در سطوح بین‌المللی تربیت‌بدنی یک پدیده مردم‌نهاد است. سلسله ارتباطات پیوسته و مستحکمی بین این نهاد در داخل و بین‌المللی وجود دارد. این ارتباطات در دهه اخیر با تنش مواجه بوده است. این تنش؛ عمدتاً ناشی از انتظار نهادهای بین‌المللی ورزشی از نهادهای داخلی است؛ انتظاری با این مضمون که نهاد داخلی باید از دولت جدا شده و به شکل مردم‌نهاد و با مقررات و نظارت سازمان‌های بین‌المللی اداره شود. این جریان دخالت دولت را در صحنه ورزش برنمی‌تابد. این نهاد را در ایران نه می‌توان دولتی دانست و نه مردم‌نهاد. از سوی دیگر تکلیف نهاد تربیت‌بدنی در داخل کاملاً مشخص نیست. تربیت‌بدنی یک نهاد اجتماعی است که از طریق شرکت فرد در فعالیت‌ها و تمرینات ذهنی و جسمی، زمینه‌ساز فرآیند تعلیم و تربیت انسان در جهت مطلوب بوده و شکوفایی استعدادها در تمامی ابعاد وجودی، حفظ تندرستی و شادابی، افزایش فضایل اخلاقی و پسندیده الهی را فراهم ساخته و کیفیت زندگی را در تمامی زمینه‌های فردی و اجتماعی بهبود می‌بخشد. ورزش یک وسیله تربیتی است که فرد با توجه به قوانین و مقررات ویژه و استفاده از تکنیک‌ها و تاکتیک‌های مختلف به کسب آمادگی‌های ذهنی- جسمی و مهارتی پرداخته و برای کسب موفقیت و پیروزی در رقابت‌های سازنده شرکت می‌نماید. در ورزش سعی می‌شود، زمینه‌های حضور موفق فرد در رقابت‌ها ایجاد شده و با استفاده از علوم و فنون مرتبط و انجام تمرینات مناسب، حرکات و مهارت‌ها به‌نحو مطلوبی اجرا شده و بهترین نتایج کسب گردد. (شیرعلی، محسن، ۱۳۸۳، ۳۶ و ۳۷).

در تحقیق حاضر تلاش خواهیم کرد، ابعاد مختلف نهاد تربیت‌بدنی در قلمرو جمهوری اسلامی ایران و تعارض اصلی ناشی از تمکین به قواعد بین‌المللی روشن گردد.

نهاد تربیت‌بدنی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

با نگاهی عمیق به قانون اساسی، متوجه می‌شویم که نه فقط قانون اساسی صراحتاً به تربیت‌بدنی و ورزش اشاره کرده، بلکه در صدر اصول کلی و اولین فصل این قانون به تربیت‌بدنی پرداخته و این نهاد را در عرض آموزش و پرورش و مقدم بر آموزش عالی قرار داده است.

و احیای حقوق مادی و معنوی وی فراهم کند؛ نتیجه می‌گیریم که یک دسته از حقوق زنان که باید مورد حمایت دولت قرار بگیرد، حقوق تفریحی و ورزشی زنان است.

قانون اهداف، وظایف و اختیارات وزارت

این قانون، به‌دنبال تبدیل شدن سازمان تربیت‌بدنی کشور به وزارت ورزش و جوانان، در مهرماه سال ۱۳۹۹ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده و جایگزین قانون تأسیس سازمان تربیت‌بدنی ایران مصوب ۱۳۵۰/۳/۲۳ گردید. در ماده اول این قانون تقید به رعایت احکام و ارزش‌های اسلامی و شئون انقلاب اسلامی تصریح شده است. این مهم در بند ۶ از ماده ۳ نیز مورد تأکید قرار می‌گیرد. تعارض و عدم تجانس نهاد ورزش در جمهوری اسلامی ایران، با ورزش در عرصه بین‌الملل از همین ماده شروع می‌شود.

بخش «الف» از قانون اهداف، وظایف و اختیارات وزارت ورزش و جوانان به وظایف وزارت در حوزه ورزش می‌پردازد. در بند ۴ از این بخش، ترویج ارزش‌ها و موازین اسلامی و ارزش‌های فرهنگی - اخلاقی، انقلابی، منش پهلوانی در ورزش، از جمله اهداف وزارت ورزش محسوب شده است. مشارکت بانوان در فعالیت‌های ورزشی که یکی از مهم‌ترین محدودیت‌های ورزش کشور در عرصه بین‌الملل می‌باشد، در بند ۸ مورد توجه قرار گرفته است. «مناسب‌سازی اماکن و فضاهای ورزشی جهت بهره‌برداری و حضور بانوان»، بدین معنی است که بانوان در ورزش‌هایی که پوشش اسلامی ندارد، باید در فضاهایی که مخصوص آنها طراحی شده و از دید آقایان مصون است، به ورزش بپردازند.

در بندهای ۱۴ و ۱۹ از این بخش به «حضور نمایندگان جمهوری اسلامی ایران در مجامع ورزشی بین‌المللی و عضویت یا نمایندگی در سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی ورزشی با هماهنگی و همکاری وزارت امور خارجه» اشاره شده است. بدین ترتیب ورزش جمهوری اسلامی ایران، تمایل به حضور در مسابقات و سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی ورزشی را دارد. البته این حضور محدود به رشته‌هایی است که اولاً برای بانوان نیازمند کشف حجاب نباشد و ثانیاً با موازین اسلامی سازگار باشد.

در این قانون، مدیریت نهاد ورزش کشور از سطح یک وزارتخانه فراتر رفته و به جایگاه «شورای عالی» به ریاست رئیس‌جمهور رسیده است. حضور وزرای ورزش و جوانان، علوم، تحقیقات و فناوری، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، آموزش و پرورش، تعاون، کار و رفاه اجتماعی، وزیر کشور، وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و

در اصل سوم قانون اساسی ایران، دولت جمهوری اسلامی موظف شده است که برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور آموزش و پرورش و تربیت‌بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی به کار برد. با دقت در مفاد اصل سوم قانون اساسی نکات ذیل قابل درک است:

اول: تربیت‌بدنی به صراحت یاد شده و این نشانه جایگاه بسیار مهم ورزش در میان اساسی‌ترین نهادهای کشور است. به عبارت دیگر ورزش به آن درجه دارای اهمیت است که در قانون اساسی یعنی مهم‌ترین سند حقوقی کشور در جایگاه نهادهای عالی کشور قرار گرفته است.

دوم: قرار دادن ورزش در ردیف آموزش و پرورش و آموزش عالی نشان می‌دهد که از دیدگاه قانون اساسی، ورزش یک نهاد فرهنگی برای نیل به هدف تربیت انسان مورد نظر نظام است و نه صرفاً یک نهاد تفریحی و سرگرمی و مجموعه‌ای از حرکات بدنی. سوم: ورزش در عرض آموزش و پرورش قرار دارد نه در بطن یا در طول آن و این بدان معناست که ورزش از نظر اهمیت در نیل به اهداف نظام نقشی مستقل و حیاتی دارد و بخشی از آموزش و پرورش نیست. قوانین و مقررات مربوط به حقوق ورزشی باید همگام و همسو با قانون اساسی باشند و قوانین و آیین‌نامه‌های مخالف قانون اساسی ممکن است توسط شورای نگهبان و دیوان عدالت اداری رد و باطل شوند. (آقای نی ۱۳۸۱، ۱۸)

با توجه به بند سوم از اصل سوم قانون اساسی، می‌توان دریافت که ورزش و تربیت‌بدنی در نظام جمهوری اسلامی ایران، چه از نظر حقوقی و چه از نظر اجتماعی دارای جایگاه ویژه است.

جایگاه زنان ورزشکار در قانون اساسی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل سوم با توجه به مبانی فقهی به موضوع ورزش توجه نموده است و به صراحت از تربیت‌بدنی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین وسایل در راستای نیل به اهداف نظام نامبرده و دولت را موظف نموده که با به‌کارگیری تمامی امکانات از این وسیله نیز استفاده نماید و یکی از وظایف دولت را در کنار آموزش و پرورش، فراهم نمودن تربیت‌بدنی رایگان، برای همه و در تمامی سطوح قرار داده است. همچنین، براساس اصل بیستم قانون اساسی که همه افراد ملت اعم از زن و مرد را تحت حمایت قانون قرار می‌دهد و براساس اصل بیست و یکم که دولت را موظف می‌دارد که حقوق زن را در همه زمینه‌ها با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و زمینه‌های مساعد را برای رشد شخصیت

- ارتقاء سلامتی و پیشگیری از بیماری‌ها
- ارتقاء برابری جنسیتی
- همبستگی اجتماعی و توسعه منافع عمومی
- پی‌ریزی صلح و پیشگیری و حل تعارض
- تسکین عوارض حاصل از بلایای طبیعی در دوران بعد از حوادث و کمک به بازگشت آسیب‌دیدگان به زندگی عادی
- توسعه اقتصادی
- افزایش ارتباطات اجتماعی»

البته باید در نظر داشت که سازمان ملل هر نوع ورزشی را در زمره حقوق بنیادی بشر نمی‌پذیرد، بلکه برای برخی ورزش‌های منفی نیز قائل است. شک نیست که اگر سیاست‌گذاری در امر ورزش مناسب و مطابق با اصول انسانی نباشد، نمی‌توان آثار مثبتی برای آن متصور بود. «ورزش می‌تواند اثرات جانبی منفی مانند خشونت، فساد، تبعیض، چاقو کشی، ناسیونالیسم، دوپینگ و تقلب داشته باشد. برای فعال کردن پتانسیل مثبت ورزش باید نظارت مؤثر بر آن صورت گرفته و هدایت صحیح فعالیت‌های ورزشی مدنظر اولیاء امر قرار گیرد. پتانسیل مثبت ورزش به خودی خود قابل حصول نیست. بلکه نیاز به مداخله حرفه‌ای و مسئولیت اجتماعی دارد و زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی آن باید به‌خوبی طراحی شود.»

توجه به ورزش در سازمان ملل متحد از دوران سلف این سازمان یعنی جامعه ملل آغاز شده است. نقطه عطف در این زمینه امضای تفاهم‌نامه همکاری نهادی بین سازمان بین‌المللی کار وابسته به جامعه ملل^۴ (ILO) و کمیته بین‌المللی المپیک در سال ۱۹۲۲ بود. این تفاهم‌نامه بعدها مورد استقبال سایر نهادهای وابسته به سازمان ملل نیز قرار گرفت. بخش عمده‌ای از فعالیت‌های ورزشی سازمان ملل در قالب طرحی تحت عنوان ورزش برای تقویت برنامه‌های توسعه و صلح پیاده می‌شود. با تصویب مجمع عمومی سازمان ملل نهادی تحت عنوان آنس‌دپ^۵ (UNOSDP) تشکیل شد که این نهاد تلاش‌های فراوانی را در سراسر جهان به‌منظور استفاده از ورزش برای توسعه و صلح پیاده نموده است.

در ژوئیه سال ۲۰۰۲ در هنگام بازی‌های المپیک در شهر سالت‌لیک^۶ آمریکا، دبیرکل سازمان ملل متحد، نخستین جلسه کارگروه توسعه ورزش در سیستم سازمان ملل متحد را تشکیل داد

مقامات برجسته دیگری نظیر رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور و رئیس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران در این شورا، جایگاه و قدرت برجسته‌ای به این شورا بخشیده است.

سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی دست‌اندر کار در امر ورزش

مهم‌ترین سازمانی که در این قسمت مورد بررسی قرار می‌گیرد، سازمان ملل متحد است که در زمینه ورزش فعالیت‌های گسترده‌ای به انجام می‌رساند. اتحادیه اروپا، اتحادیه آفریقا و سازمان‌های منطقه‌ای در آسیا نیز در ردیف این‌گونه سازمان‌ها قرار دارند.

سازمان ملل متحد

از دیدگاه سازمان ملل متحد «ورزش و بازی جزء حقوق بشر است که باید در سراسر جهان محترم شمرده شده و به اجرا درآید». (سازمان ملل، ۲۰۱۴، ورزش برای توسعه و صلح) بنابراین از منظر سازمان ملل و از نظر ماهوی؛ ورزش در زمره حقوق بشر محسوب می‌شود. در سازمان ملل متحد گروهی به نام «گروه کاری بین سازمانی سازمان ملل در امر ورزش برای توسعه و صلح»^۱ وجود دارد. گروه فوق وظیفه سازماندهی برنامه‌های ورزشی سازمان ملل متحد را برعهده دارد. گروه مذکور در بیانیه‌ای که در سال ۲۰۰۳ منتشر کرده است، ورزش را این‌گونه تعریف می‌کند: «ورزش عبارت است از تمام اشکال فعالیت بدنی که منجر به آمادگی جسمانی، رفاه اجتماعی و تعادل روانی شود، مانند بازی، تفریح و سرگرمی، ورزش رقابتی سازمان‌یافته و یا ورزش‌های بومی و محلی». (سازمان ملل، ۲۰۱۴، ورزش برای توسعه و صلح) با چنین تعریفی انتظار می‌رود ورزش از دیدگاه سازمان ملل در ردیف حقوق اساسی قرار گیرد. البته سازمان ملل قبل از اینکه تعریف فوق را از ورزش ارائه دهد، ورزش را در ردیف حقوق اساسی قرار داده است. یونسکو در «منشور بین‌المللی تربیت بدنی و ورزش»^۲ که در سال ۱۹۷۸ منتشر نمود، ورزش را به‌عنوان «حقوق اساسی برای همه»^۳ معرفی می‌نماید. شاید بتوان دلیل این اهتمام ویژه را در اثرات ورزش از دیدگاه سازمان ملل دانست. از دیدگاه گروه کاری فوق «ورزش نقش بسیار مهمی در همبستگی اجتماعی و توسعه اقتصادی در زمینه‌های مختلف جغرافیایی، فرهنگی و سیاسی دارد. ورزش یک ابزار قدرتمند برای تقویت روابط اجتماعی و ترویج آرمان‌های صلح، برادری، همبستگی، عدم خشونت، مداوا و عدالت است. ورزش بیشترین منافع را در موارد ذیل دارد:

«- توسعه فردی

3. Fundamental right for all
4. International labour Organisation
5. UN system of Sport for Development and Peace
6. Salt Lake

1. Inter-Agency Group on Sport for Development and Peace (IAGSDP)
2. UNESCO,s International Charter of Physical Education and Sport

ارتقای صلح و حل مناقشات با کمک ورزش.

- تشویق به گفتگوهای سازنده در عرصه بین‌المللی برای توسعه و صلح بین سازمان ملل متحد و کشورهای عضو، سازمان‌های بین‌المللی ورزشی، بخش خصوصی، دانشگاه‌ها و رسانه‌ها. سازمان ملل تعداد بسیاری از قهرمانان جهان، قهرمانان المپیک، ورزشکاران نخبه و شخصیت‌های برجسته ورزشی را به‌عنوان سفیران صلح و حسن نیت خود معرفی نموده است. وجود این افراد در جمع خانواده سازمان ملل باعث ایجاد انگیزه و نشاط در مردم جهان شده است. زین‌الدین زیدان و رونالدو از معروف‌ترین ورزشکاران در این زمینه هستند.

سازمان ملل متحد و ورزش‌های پارالمپیک

پارالمپیک، مسابقات ورزشی و بازی‌های جهانی ویژه معلولان است که همانند المپیک هر چهار سال یک‌بار و بعد از بازی‌های المپیک و معمولاً در همان کشور برگزار می‌شود. سازمان ملل متحد این مسابقات را با شعار «ترویج حقوق بشر توسعه و آرمان بشریت» دنبال می‌کند.

«اهداف سازمان ملل متحد در بازی‌های پارالمپیک مشارکت در دستیابی به آرمان خدمت به بشریت است. سازمان ملل متحد در تلاش برای حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات، پیشرفت اجتماعی و استانداردهای بهتر زندگی و روابط هماهنگ در میان ملت‌هاست. در این راستا هدف از مسابقات المپیک معلولان، ضمن پرداختن به ورزش، خدمت به بشریت، کمک به مبارزه جهانی برای صلح، رفاه، و حفظ کرامت انسانی است.» (سازمان ملل متحد، توانمندسازی معلولان، بی‌تا). بیش از ۱۳۰ کشور جهان در بازی‌های پارالمپیک شرکت می‌کنند، که بعد از المپیک بزرگ‌ترین و یکی از معتبرترین رویدادهای ورزشی در جهان است. «افراد معلول حق شرکت در فعالیت‌های ورزشی و تفریحی در تمام سطوح، دریافت دستورالعمل‌های لازم، دسترسی به ورزش و آموزش آن و دسترسی به سالن‌های تفریحی برای پر کردن اوقات فراغت را دارند. علاوه بر این کودکان و نوجوانان معلول از حق بازی و حق دسترسی برابر به امکانات ورزشی فعالیت‌های تفریحی اوقات فراغت برخوردارند.» (سازمان ملل متحد، توانمندسازی معلولان، بی‌تا)

(UNCG). هدف این کارگروه ترویج استفاده منظم از ورزش در فعالیت‌های توسعه و صلح در برنامه‌های سازمان ملل و همچنین ترغیب دولت‌ها و سازمان‌ها و بخش خصوصی به حمایت بیشتر از فعالیت‌های ورزشی بود. کارگروه مذکور به‌صورت میان‌سازمانی در زمینه توسعه ورزش در سطح نهادهای وابسته به سازمان ملل متحد؛ فعالیت‌های گسترده خود را به انجام رساند. نهادهایی مانند ILO، UNESCO، WHO^۲، UNDP^۳، UNV^۴، UNEP^۵ کمیساری عالی پناهندگان سازمان ملل، یونیسف، دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد و UNAIDS^۶ از جمله نهادهایی بودند که از این امر استقبال کرده و در برنامه‌های خود، به‌نحو گسترده‌ای از ورزش استفاده کردند. کارگروه ورزش برای توسعه و صلح، نخستین گزارش خود را در سال ۲۰۰۳ تحت عنوان «ورزش برای توسعه و صلح به سوی دستیابی به اهداف توسعه هزاره»^۷ منتشر نمود. این گزارش نشان داد که ورزش وسیله قدرتمند و مقرون به صرفه‌ای در مسیر دستیابی به اهداف توسعه و صلح در سطح جهانی است. از آن تاریخ به بعد گردهمایی‌های کارگروه فوق‌الاشعار تحت ریاست UNDP^۸ حداقل دوبرار در سال تشکیل می‌شود. در مسابقات المپیک و پارالمپیک پکن که در سال ۲۰۰۸ برگزار شد، UNOSDP در چهارچوب گروه کاری UNCG در خصوص انتشار و اطلاع‌رسانی درباره فعالیت‌های سازمان ملل در زمینه ورزش و نقش آن در فعالیت نهادهای وابسته به سازمان ملل اقدامات گسترده‌ای به انجام رساند. این روند بعدها در بازی‌های زمستانی ونکوور ۲۰۱۰، بازی‌های المپیک جوانان در سنگاپور و بالاخره در المپیک ۲۰۱۲ لندن و بازی‌های مقدماتی جام جهانی برزیل ادامه یافته و تاکنون نیز ادامه دارد.

در آوریل ۲۰۰۸ بان کی مون دبیر کل وقت سازمان ملل متحد ویلفرد لمک آلمانی را به‌عنوان مشاور ویژه خود در امور ورزش برای توسعه و صلح منصوب کرد. بان کی مون در حکم خود سه وظیفه عمده برای مشاوره ورزشی خود برشمرده است:

- تلاش برای معرفی و ترویج ورزش به‌عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف بشردوستانه، توسعه و برقراری صلح.

- تمرکز ویژه بر روی سهم ورزش در کاهش فقر، آموزش عمومی ورزش، رعایت برابری جنسیتی در عرصه ورزش، پیشگیری از ایدز، حفظ محیط زیست، گنجاندن ورزش در زندگی افراد معلول،

5. United Nation Environment Programme

6. United Nation Programme on HIV

7. Sport for development and Peace towards achieving the Millennium Development Goals

8. UN Department of Public Information

1. UN communication Groups (UNCG) Working Group on Sport for Development and Peace. United nation environment programme

2. World Health Organisation

3. United Nation Development Program

4. United Nation Volunteers

در سال ۲۰۲۰ قطعنامه جدید «ترویج حقوق بشر از طریق ورزش و آرمان المپیک» صادر شد. در این قطعنامه به استقلال ورزش از حکومت‌ها اشاره شده است. البته این امر در قطعنامه‌های سابق نیز به صورت تلویحی مورد اشاره قرار گرفته بود ولی در این قطعنامه با تأکید بیشتری به این موضوع پرداخته شده است. (سازمان ملل، ۲۰۲۰، کتابخانه دیجیتال، قطعنامه‌های شورای حقوق بشر)

روش‌شناسی تحقیق

تحقیق حاضر از نظر هدف بنیادی و از نظر روش و ماهیت، توصیفی-تحلیلی است. از آنجاکه بنا به اقتضای تحقیقات حقوقی، استفاده از روش میدانی در انجام این تحقیق در عمل امکان‌پذیر نمی‌باشد؛ این تحقیق نیز همانند سایر تحقیقات حقوقی به صورت اسنادی و کتابخانه‌ای انجام و مطالب آن با توجه به موضوع مورد مطالعه؛ از کتب و مقالات، اسناد معتبر داخلی و خارجی و منابع رسمی و دیجیتال نهادهای بین‌المللی با استفاده از روش فیش‌برداری، استخراج شده است. در پژوهش‌های حقوقی ورزشی، استفاده از روش کتابخانه‌ای و توصیف و تبیین داده‌ها و تحلیل اطلاعات روش اصلی است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد لازم است قانون خاصی برای ورزش نگاشته و تدوین شود و تمام مسائل مرتبط با تعارض قوانین داخلی و خارجی در این زمینه مشخص و روشن گردد. برخی معتقدند که ورزش باید قانون مستقل داشته باشد، چیزی مانند قانون تجارت و قانون کار. چراکه اتفاقات عرصه ورزش معمولاً قانون را دور می‌زنند و به بهانه عرف، رضایت طرفین و مسائلی از این قبیل، از دایره شمول قوانین خارج می‌شوند. کاتوزیان در این خصوص تعبیر جالبی دارند: «در زمینه بازی‌های ورزشی، نیازهای اجتماعی و قدرت عرف، سلطه قانون و دولت را بی‌فروغ و ناتوان کرده است. چنانکه زدن مشت می‌بند بر چانه حریف و لگدی جانانه را مردم آفرین می‌گویند اما قانون سرزنش و تنبیه می‌کند و سرانجام قانون است که گام به عقب می‌نهد و مسابقه مشت‌زنی را در نظام خود می‌پذیرد و برای آنان که قدرت عرف و قوانین خودجوش اجتماعی را برتر از قانون دولتی می‌شمرند، مثالی زنده ایجاد می‌کند. به همین جهت است که پاره‌ای از نویسندگان پذیرفته‌اند که تقصیر ورزشی مفهومی است که با قواعد عمومی مسئولیت مدنی نمی‌توان به آن دست یافت و حقوق

قطعنامه‌های شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در خصوص ورزش

شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد نیز قطعنامه‌هایی در زمینه ورزش و حقوق ورزشی صادر کرده است. این قطعنامه‌ها از سال ۲۰۱۴ آغاز و تاکنون ادامه داشته و هر دو سال یک‌بار صادر می‌شوند. این قطعنامه‌ها با عنوان «ترویج حقوق بشر از طریق ورزش و آرمان‌های المپیک»^۱ صادر شده‌اند.

در نخستین قطعنامه که مربوط به سال ۲۰۱۴ می‌باشد، آمده است: «شورای حقوق بشر، با تأکید مجدد بر اهداف و اصول منشور ملل متحد، و یادآوری اعلامیه جهانی حقوق بشر و اسناد بین‌المللی حقوق بشری مربوطه، و همچنین با یادآوری مفاد مربوطه معاهدات کلیدی بین‌المللی پیرامون حقوق بشر، به‌ویژه ماده ۳۱ کنوانسیون حقوق کودک، مواد ۱ و ۳۰ کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت و مواد ۱۰ (ز) و ۱۳ (ج) کنوانسیون حذف تمام اشکال تبعیض علیه زنان، با یادآوری قطعنامه‌های تصویب‌شده توسط مجمع عمومی در مورد موضوع ورزش و بازی‌های المپیک، ساختن جهانی صلح‌آمیز و بهتر از طریق ورزش و آرمان المپیک، را پیگیری خواهد کرد». در ادامه این قطعنامه به اثرات ورزش در مقابله با بیماری ایدز و سایر بیماری‌های غیرواگیردار اشاره شده است. (سازمان ملل، ۲۰۱۴، کتابخانه دیجیتال، قطعنامه‌های شورای حقوق بشر)

دومین قطعنامه شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد با عنوان «ترویج حقوق بشر از طریق ورزش و آرمان المپیک» در سال ۲۰۱۶ تصویب شد. مقدمه این قطعنامه، تفاوت‌چندانی با قطعنامه نخست نداشته و با استناد به اسناد حقوق بشری و تأکید بر آنها به بحث ورزش وارد می‌شود. در این قطعنامه تأکید می‌گردد که «هر فردی باید امکان انجام ورزش را داشته باشد، بدون هر نوع تبعیض و توأم با درک متقابل و روحیه دوستی، همبستگی و بازی جوانمردانه» در این قطعنامه نیز ایجاد امکان مشارکت زنان و دختران در برنامه‌های ورزشی به عنوان تکلیف اعضا، مطرح شده است. (سازمان ملل، ۲۰۱۶، کتابخانه دیجیتال، قطعنامه‌های شورای حقوق بشر)

در ۱۹ مارس ۲۰۱۸ سومین قطعنامه از نوع «ترویج حقوق بشر از طریق ورزش و آرمان المپیک»^۲ به تصویب شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد می‌رسد. در این قطعنامه نیز ابتدا اسناد حقوق بشری بالادستی مانند منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر مورد تأکید قرار گرفته است. (سازمان ملل، ۲۰۱۸، کتابخانه دیجیتال، قطعنامه‌های شورای حقوق بشر)

مسئولیت ورزشی را باید رشته‌ای اصیل و مستقل شمرد و جداگانه مطالعه کرد.» (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ص ۳۷)

کمیود مقررات و قوانین

ورزش به فراخور جایگاهی که در جامعه و فرهنگ کشورها به خود اختصاص داده است و همچنین تأثیر شگرف آن در افکار عمومی جهان، قدرت توده‌ای منحصر به فرد و قابل توجهی یافته است. این قدرت و جایگاه، نیازمند سازماندهی است. چراکه معمولاً قدرت بدون قید و بند به سمت تباهی میل می‌کند. آیین‌نامه‌های انضباطی و منشورهای اخلاقی در ورزش ایران تا حدودی به مهار و ساماندهی عنصر اجتماعی ورزش پرداخته‌اند اما به نظر می‌رسد دامنه وسیع ورزش، نیازمند مقررات حقوقی بالاتر و حتی تدوین قانون مشخص برای ورزش کشور می‌باشد. قوانینی که در ارتباط با ورزش وضع شده‌اند، بسیار ناچیزند، آن بخش از قوانین و مقررات موضوعه که در دادرسی مورد استناد قرار می‌گیرد، به هیچ وجه پاسخگوی حجم انبوه اقدامات و اتفاقات ورزشی نیست. ورزش به این سادگی نمی‌تواند رافع مسئولیت جزایی باشد. رشته‌های ورزشی بسیار زیادند، عوامل مرتبط با ورزش نیمی از جمعیت کشور را دربر می‌گیرند و بالاخره اینکه ارتباطات بین‌المللی و برون‌مرزی ورزش نیز بر حساسیت آن افزوده است. بنابراین کمیود مقررات الزام‌آور در این بخش از جامعه در کشور ما احساس می‌شود.

لزوم برقراری هماهنگی بین مقررات داخلی ورزشی با قواعد بین‌المللی

ارگان‌های بین‌المللی ورزشی عموماً معتقد به استقلال ورزش کشورها از دولت‌های آنها هستند و به تدریج با تدوین مقررات، دولت‌ها را از ورود به عرصه ورزش منع می‌کنند. این امر احتمالاً تعارض شدیدی مابین قوانین برخی کشورها از جمله ایران با مقررات این نهادها به وجود خواهد آورد. تاکنون که در چند مرحله رویارویی دولت جمهوری اسلامی ایران با دیوان داور ورزش که یکی از نهادهای بین‌المللی ورزشی است با پیروزی این دیوان خاتمه یافته است. دیوان داور ورزش، در عین حال که ساده و سریع تشکیل شد و به سادگی توانست تصمیمات خود را درحالی که با قوانین داخلی ایران تعارض داشت به کرسی عمل بنشانند. پذیرش صلاحیت دیوان داور ورزش به شکلی عجیب و غیرمعمول در کشور صورت گرفت و حتی به تصویب مجلس شورای اسلامی نیز

نرسید. بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که قدرت و نفوذ نهادهای بین‌المللی ورزشی چقدر زیاد است. در واقع وقتی فیفا فدراسیون فوتبال ایران را مجبور نمود تا در بند ۴ ماده ۱۳ اساسنامه خود قید کند که: «هر یک از اشخاص حقیقی و حقوقی که مایل به عضویت در فدراسیون باشند باید تعهد نمایند کلیه دعاوی را صرفاً در رکن قضایی فدراسیون حل و فصل نمایند و حق ارائه دعاوی به دادگاه‌های عمومی را ندارد»، و به دنبال آن مسیر رسیدگی به دعاوی را از فدراسیون داخلی به کنفدراسیون قاره‌ای و از آنجا به فدراسیون بین‌المللی و بالاخره به دیوان داور ورزش محول نمود، مشخص می‌شود که جایگاه و حقی به نظام‌های قضایی کشورها درخصوص اختلافات ورزشی قائل نیست.

دکتر عبدالحسین شیروی در کتاب حقوق تطبیقی خود، موضوعات حقوقی را در یک تقسیم‌بندی کلی به سه دسته تقسیم می‌کند. دسته نخست، موضوعات صرفاً داخلی است که ایجاد، استمرار و پایان آن در داخل مرزهای یک کشور اتفاق می‌افتد. دسته دوم موضوعاتی است که تبعات آن به خارج از کشور کشیده می‌شود.

و دسته سوم موضوعاتی است که حتماً باید از طریق وضع مقررات یکسان و هماهنگ با سایر کشورها به تنظیم آنها پرداخت. ایشان درخصوص دسته نخست، تدوین قوانین داخلی را ضروری دانسته و در مورد دوم ایجاد هماهنگی بین مقررات داخلی با قواعد بین‌المللی را لازم فرض کرده و در مورد سوم تدوین قوانین داخلی براساس قوانین بین‌المللی را اجتناب‌ناپذیر می‌داند. (شیروی، ۱۳۹۰، صص ۵۹-۶۰) در نگرش سازمان‌های جهانی ورزشی این تقسیم‌بندی مردود است. به نظر می‌رسد این سازمان‌ها ورزش جهانی را یک کشور مستقل فرض می‌کنند که در کل دنیا باید از مقررات واحد و نظام قضایی مستقل پیروی نماید. با این پیش‌زمینه است که مثلاً فیفا، رسیدگی به اختلافات ورزشی را که در داخل یک کشور اتفاق افتاده و مابین یک ورزشکار و باشگاه اوست و ایجاد، استمرار و پایان آن در داخل مرزهای یک کشور بوده در صلاحیت دادگاه داخلی آن کشور نمی‌داند و دستگاه‌های ورزشی را از این اقدام به شدت منع می‌کند.

اصل ۱۵۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مرجع رسمی تظلمات را دادگستری ایران می‌داند و نه مراجعی چون فیفا یا دیوان داور ورزش که یک دادگاه خارجی است و براساس حقوق خارجی حتی حقوق بین‌الملل، عمل می‌نماید.

ماده ۹۷۱ قانون مدنی ایران مطرح‌بودن دعوی را در دادگاه خارجی رافع مسئولیت دادگاه داخلی نمی‌داند. حال اگر دعوی

در ایران نیز دقیقاً همین مدل اجرا شد. فیفا خواسته‌های خود را که صد در صد مغایر قوانین موجود در ایران، از جمله قانون مربوط به الحاق فدراسیون‌های ورزشی به قانون فهرست نهادها و موسسات عمومی بود را به دولت ایران تحمیل نمود، زیرا مطمئن بود دولت حاضر نیست هزینه سیاسی تحریم فوتبال را بپردازد.

با اذعان به اینکه برخی موضوعات حقوقی در مواردی صرفاً داخلی است و در محدوده مرزهای کشور حل و فصل خواهد شد و اصل ۱۵۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مرجع رسمی تظلمات را دادگستری ایران می‌داند و توجه به این مهم که برخی دیگر باید از طریق وضع مقررات یکسان و هماهنگ با سایر کشورها و نهادهای حقوقی بین‌المللی به تنظیم مقررات مربوطه پرداخته شود، و همچنین توجه به این نکته که بررسی تأثیر سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی بر رفتار و حتی حقوق داخلی کشورها را می‌توان در گستره وسیع‌تری جهت مطالعات تکمیلی پیشنهاد داد و توجه به نواقص و کاستی‌هایی در مقررات و قوانین و لزوم تصویب قانون مستقل ورزش همانند قانون تجارت و قانون کار در اقدامی پایدار و در بلندمدت، توصیه‌هایی مانند ایجاد میان‌رشته‌ی حقوق ورزشی در دانشگاه‌ها و برگزاری دوره‌های کوتاه‌مدت حقوقی ورزشی برای مدیران و مربیان و ورزشکاران و بهره‌مندی مؤثرتر از رسانه ملی و فضای مجازی برای توسعه‌ی دانش کیفی حقوقی می‌تواند در ارتقاء نظام دادرسی ورزشی کشور در کوتاه‌مدت مؤثر واقع شود.

سپاسگزاری

نویسندگان این مقاله بر خود لازم می‌دانند از کلیه افرادی که در انجام تحقیق، ایشان را همراهی نموده‌اند، تشکر و قدردانی نمایند.

بین یک باشگاه ورزشی در تهران با ورزشکار تهرانی آن باشگاه توسط ورزشکار از طریق فدراسیون پیگیری شود که نهایت آن دیوان داوری ورزش است و از طرف باشگاه در دادگاه حقوقی تهران، نتیجه کار چگونه خواهد بود؟ مسلماً دیوان داوری ورزش اقدام باشگاه را در مراجعه به دادگاه داخلی مردود دانسته و ممکن است آن باشگاه را تعلیق نماید. این گونه تعارضات چگونه به فرجام خواهد رسید؟ به‌خصوص اینکه بعد از المپیک لندن این گونه تعارضات شدت بسیاری یافته و انتظار می‌رود بیش از این نیز توسعه پیدا کند.

تأثیر سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی بر رفتار و حتی حقوق داخلی کشورها را می‌توان در گستره وسیع‌تری مورد مطالعه قرار داد به‌خصوص از جنبه تأثیری که بر حاکمیت کشورها می‌گذراند. مهم‌ترین ابزار این سازمان‌ها برخورداری از حمایت افکار عمومی است و به نظر می‌رسد بدون برخورداری از چنین پشتوانه‌ای دولت‌ها همچنان این اقتدار را دارند که از منافع و تصمیمات خود دفاع نمایند. اما هنگامی که افکار عمومی مردم با تصمیمات سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی همسو می‌شود، دولت‌ها ناچار به عقب‌نشینی می‌شوند.

امروز این الگوی رفتاری از سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشری همچون عفو بین‌الملل نیز دیده می‌شود که سعی دارند با اهمیت دادن به موارد نقض حقوق بشر و اطلاع‌رسانی درباره این موارد، نظر افکار عمومی را در داخل کشورها و حتی عرصه بین‌المللی جلب نمایند.

فدراسیون‌های بین‌المللی ورزشی نیز به خوبی از اهمیت و جایگاه ورزش در افکار عمومی و توجه خاص سیاسیون به آن آگاهند. بنابراین محرومیت ورزش یک کشور از رقابت‌های بین‌المللی و پیامدهای آن هزینه‌های سیاسی سنگینی خواهد داشت که معمولاً دولت‌ها شدیداً از آن احتراز می‌کنند.

References

Badi'i Azandehi, Marjan, and Hosseini, Narges Sadat. (2016). Globalization and the Transformation of the Concept of National Sovereignty. *Applied Research in Geographical Sciences*, 12(25). (In Persian).

Constitution of the Islamic Republic of Iran.

Ismaeili, Mohammadreza. (2015). *The History of Physical Education and Sports*. Tehran: SAMT Publications. (In Persian).

Katozian, Naser. (1999). *Sports Error and Sports Responsibility*. Faculty of Law and Political Science, University of Tehran. (In Persian).

Law on the Goals, Duties, and Authorities of the Ministry of Sports and Youth.

Nia, Hossein. (2002). *Sports Law*. Tehran: Mizan Publications. (In Persian).

Shirali, Mohsen. (2004). *The Best Scientific Definition of Physical Education and Sports*. Sports and Values, Ministry of Education Physical Education and Health Deputy, No. 173. (In Persian).

Shirovi, Abdulhossein. (2011). *Natural Law*. Tehran: SAMT Publications, 2nd edition. (In Persian).

Tomlinson, John. (2014). *Globalization and Culture*. Translated by Mohsen Hakimi, Tehran: Cultural Research Bureau.

United Nations, "Empowerment of Persons with Disabilities." Available at UN Disability

United Nations, 2014. "Digital Library." Human Rights Council resolutions on the promotion of human rights through sport and the ideals of the Olympics 2014. Available at: UN Digital Library

United Nations, 2014. "Sport for Development and Peace." Digital Library. Resolutions of the United Nations General Assembly, resolutions on sports as a means to enhance education, health, development, and peace. Available at: UN Digital Library

United Nations, 2016. "Digital Library." Human Rights Council resolutions on the promotion of human rights through sport and the ideals of the Olympics. Available at: UN Digital Library

United Nations, 2018. "Digital Library." Human Rights Council resolutions on the promotion of human rights through sport and the ideals of the Olympics. Available at: UN Digital Library

United Nations, 2020. "Digital Library." Human Rights Council resolutions on the promotion of human rights through sport and the ideals of the Olympics. Available at: UN Digital Library.